

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

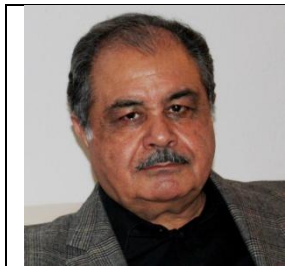
www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي و نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني: آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



داکتر اسدالله «حبيب»

تاریخ نشر: 23 جنوری 2016 م

زبان دری از گفتار تا نوشتار

بخش « بیستم »

ترکیب پیوسته:

ترکیبهای پیوسته از پهلو نشینی دو نام ساخته می شوند، چون: پیرهن تنبان، پدرمادر، کله پاچه، خانه داماد، کوفته چلاو، زردک پلاو، دامن جاکت، کرتی دامن، کشمش نخود، گل قند، طلا تپه (نام جای)، کاروان سرای، شترخار، شیرچای، ودیگر. نخست، بین دو واژه واو عطف نمی آید.

دوم درنوشتار امروز شماری ترکیبهای پیوسته را با خط جدایی از هم دور کرده اند. مثل: واژه نامه مگر نگهداری همان رسم دری - آلمانی، شاهراه کابل-مزار، قرارداد بازرگانی افغانستان - ایران پیشینه برتراست، یعنی که واژگان در ترکیبهای پیوسته بی جداکننده بی همنشین باشند. شاعری طنز سرا خوش گفته است:

یارگفتا می خورم زردک پلاو

زرد کیویدیم وپلاویدیم ما

زردکیدن وپلاویدن ساخته های ذهن سخنور شوخ طبع است که اصالت دستوری ندارند. کرا دادن و کرا گرفتن. کرا یا کرایه: می گوئیم کرای خانه چند است؟ این خانه را کرا گرفته ایم دوکان کرایبی، مگر می نویسیم کرایه! می پنداریم که کرا گفتاری است و کرایه نوشتاری. هرگز چنان نیست.

این دو واژه در دو لهجه کاربرد دارند. ما که کرا می گوئیم کرا باید بنویسیم، چنانکه هموطن ما، ناصر خسرو نوشته بود: «... عربی گفت من ترا به بصره می برم و با من هیچ نبود که بکرا بدهم، واز آنجا تا بصره دویست فرسنگ و کرای شتر یک دینار بود.»

(سفرنامه، ص ۱۲۸)

کاسه زیر نیم کاسه :

در زبان گفتار مثلی هست که در نوشتار نیز گاه گاهی رونما می شود که : کاسه یی زیر نیم کاسه است یعنی دسیسه یی درکار است .
در این مسأله نیت بدی هست . غافل از آن که کاسه بزرگتر از نیم کاسه است و نمی تواند زیر نیم کاسه جا گزیند . درست آن است که گفته شود : زیر کاسه نیمکاسه یی هست .

آذان داد یا آذان داد :

می گویند آذان داد. غافل از آنکه آذان جمع آذن به معنای گوش است و آذان گوشها معنا دارد. بانگ نماز یا اعلام گاه نماز گزار ی آذان است ، نه آذان .

ان شاء الله :

جمله " ان شاء الله " از سه کلمه ساخته شده است: ان (اگر)، شاء (بخواهد)، الله (خداوند)، یعنی: اگر خداوند بخواهد. اما جمله ی " انشاء الله " از دو کلمه ساخته شده است: انشاء (آفریدن)، الله (خدا) به معنای: خداوند بیافریند.
آن چه به هنگام نوشتن این جمله مراد نویسنده است جمله ی نخست است یعنی ان جدا و بعد شاء الله ولی آن را به صورت جمله ی دوم می نویسند که اشتباه است .

به نام و بنام :

در زبان عربی حرف جر " ب " را همیشه باید به کلمه ی بعد که مجرور است متصل نوشت، اما در زبان فارسی حرف اضافه " به " را باید همواره جدا از کلمه نوشت.
مگر در اشکال کهن مانند: بدین و بدو، زیرا اگر چون این ننویسیم در موارد بسیاری امکان به جای یکدیگر گرفته شدن واژه ها و معانی (التباس معنی) وجود دارد، مانند همین " به نام " و " بنام " که هر کدام جای کاربرد ویژه ای دارد.

به این نمونه ها دقت کنید: او نویسنده ی بنامی بود و یا " من او را به نام نمی شناختم ". به همین ترتیب اگر " به روی " را " بروی " بنویسیم معلوم نخواهد شد که مراد چیست؟ آیا منظور از " بروی " فعلی از مصدر رفتن است، مانند برو، بروی و... یا آن که مثلن می خواهیم بنویسیم که: این قلم به روی میز است یا اگر ما " به درد " را " بدرد " بنویسیم باز هم شباهت معنا رخ می دهد، زیرا " بدرد : یعنی پاره کند و " به درد " یعنی به غم و اندوه.
به همین گونه اند صد ها واژه که باید به هنگام نوشتن آن ها با احتیاط بود، مانند: به دل و بدل، به شتاب و بشتاب، به کار و بکار، به گردن و بگردن، به کس و بکس، به همان و بهمان، به گردش و بگردش، به چشم و بچشم، به هر و بهر، به خر و بخر، به دوش و بدوش، به بار و بیار، به خواب و بخواب و غیره

جذر و جزر :

برخی در کاربرد درست این دو واژه نیز اشتباه می کنند. جذر به معنای ریشه است و در ریاضی نیز عددی است که آن را در خودش ضرب می کنند. مانند عدد ۳ که وقتی آن را در خودش ضرب کنند عدد ۹ به دست می آید که آن را مجذور می گویند.
جزر با زی فرو نشستن آب دریا، بازگشتن آب دریا و ضد مد می باشد. پس اگر مقصود مد و جزر است با زی باید بنویسیم .

ادامه دارد

داکتر اسدالله « حبیب »

بازگشت به صفحه اصلی www.said-afghani.org